

## جهانی شدن و فرار مغزها در چشم‌انداز نظری

فتحعلی همتی<sup>۱</sup>

محمد بشیری آذر<sup>۲</sup>

حمید خدادادیگی<sup>۳</sup>

### چکیده:

جهانی شدن همه ابعاد زندگی انسان‌ها را تغییر داده است به گونه‌ای که سبک زندگی شهروندان متحول شده است. یکی از مولفه‌های سبک زندگی مهاجرت نخبگان اعم از شغلی یا گردشگری است. هدف محوری این پژوهش تاثیرات جهانی بر مهاجرت نخبگان شهروندان به-خصوص کشورهای در حال توسعه است. در این راستا موضوعات مختلفی در ارتباط با تاثیرات جهانی در مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته اند. می‌توان پدیده فرار مغزها در عصر اطلاعات را با توجه به شغل، رفاه، سبک زندگی نوین، دستیابی به امکانات علمی و... در نظر گرفت. بنابراین مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته را از رویکرد بدبینانه و سیاسی و همچنین رویکرد جهان شدن مورد بررسی قرار داد. در دیدگاه سیاسی نظریه‌های، مرکز- پیرامون، استعمار نوین، انتقال معکوس تکنولوژی، وابستگی، تعارضات قومی و امنیتی و بحران هویت ارایه می‌شود. در نگرش جهان محوری نظریه‌های فناوری‌های نوین ارتباطی، تکنولوژی حمل و نقل، زوال پدیده ناسیونالیسم، تخصص گرایی، نابرابری و شکاف‌های شدید و... ارایه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، فرار مغزها، نخبگان، مهاجرت، استعمار

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران: نویسنده مسئول

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

در عصر جهانی شدن، سرمایه انسانی بیش از گذشته اهمیت یافته است. سرمایه انسانی که به‌عنوان متخصص و کارشناس همه ابعاد یک کشور را به توسعه هدایت کنند. در واقع در هزاره سوم پیشرفت هر کشوری وابسته به نیروی انسانی متخصص است. نخبگانی که قدرت رسانه‌ای، اقتصادی، فنی، تولید علم، ایده پردازی ... هر کشوری را در اختیار بگیرند. به همین دلیل کشورهای توسعه یافته از همه نخبگان جهان با بهره‌گیری از شگردهای اقتصادی، امکانات، رفاه، رسانه‌ای و سبک زندگی نوین در جهت پیشرفت بهره می‌گیرند. در نتیجه فرار مغزها در این دوران بیش از گذشته انجام می‌شود.

به طور کلی فرار مغزها به عنوان پدیده‌های اجتماعی در فرایند توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورها نقشی تعیین کننده دارد، یعنی زمانی که کشورهای درحال توسعه به تعداد زیادی نیروی متخصص دست یافتند و درعین حال که به آنها نیازمند بودند، ولی بنا به دلایلی آنان را به نفع کشورهای توسعه یافته از دست می‌دادند. مقصود از فرار مغزها، مهاجرت افراد متخصص است به این معنا که افراد با تخصص فنی و حرفه‌ای مورد نیاز کشور خود، ولی به دلایل مختلف، مهاجرت دائمی به کشور دیگر را ترجیح می‌دهند (عبدی، ۱۳۸۹: ۲۵۴) هدف و محور این پژوهش تأثیرات جهانی شدن بر فرار مغزها بخصوص کشورهای درحال توسعه از دو بعد سیاسی و جهانی شدن است.

### پیشینه تحقیق

جانعلیزاده چوب بستی و همکاران (۱۳۹۳)، تحقیقی تحت عنوان "بررسی جامعه شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی" انجام دادند. دو هدف در این مطالعه دنبال شده است: (۱) بررسی وضعیت تمایل به برون کوچی اعضای بنیاد ملی نخبگان استان مازندران و (۲) علل و زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به برون کوچی نخبگان علمی. نظریه "جاذبه و دافعه لی" چارچوب نظری این تحقیق بود.

رستمی حصوری (۱۳۹۳)، تحقیقی تحت عنوان "اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر در کشورهای در حال توسعه" انجام داده است. وی در تبیین نتایج تحقیق خود چنین عنوان می‌کند: به نظر می‌رسد خروج نیروی انسانی متخصص از کشورهای در حال توسعه (مبدأ) آثار منفی بر اقتصاد این کشورها بر جای می‌گذارد.

رحیم زاده و همکاران (۱۳۹۲)، تحقیقی تحت عنوان "تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران" انجام دادند. روش پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی و پیمایشی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشکده فنی

دانشگاه تهران بود. نمونه مورد بررسی به شیوه تصادفی ساده به حجم ۴۱۵ نفر انتخاب و با ابزار پرسشنامه داده‌های مربوط جمع‌آوری شد. برای سنجش رضایت آموزشی از پرسشنامه نیل در انطباق اجتماعی- دانشگاه از پرسشنامه انطباق نهادی پاسکارلا و ترنزینی و برای سنجش بیگانگی اجتماعی- فرهنگی از سه خرده مقیاس از مقیاس بیگانگی ملوین سیمن استفاده شد.

طیبی و همکاران (۱۳۹۰)، تحقیقی تحت عنوان "اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه" انجام دادند. جریان مهاجرت بین‌المللی افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه (مبدأ) به کشورهای توسعه یافته (مقصد) در دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است. عسگری و همکاران (۱۳۸۷)، مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی علل فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه" ارائه نمودند. در تبیین نتایج تحقیق خود چنین عنوان نمودند: اقتصاد کشورهای در حال توسعه همواره متأثر از فرار مغزها بوده است.

### چارچوب نظری

پدیده‌ی مهاجرت مقوله‌ای است که در بسیاری از دیدگاه‌ها و مکاتب مورد بحث قرار گرفته است. برخی از نظریه پردازان مهاجرت همچون دهاس معتقدند بیشتر تئوری‌های مهاجرت بینش جامعی را در حوزه اثرات مهاجرت در توسعه، علی‌الخصوص اثر آن بر کشورهای در حال توسعه، ارائه نمی‌نمایند و تنها به ارائه‌ی اثرات ناهمگون و التقاطی بسنده می‌کنند. (دی هاس، ۲۰۰۸) گروه‌هایی آن را پدیده‌ای مثبت و مؤثر در توسعه معرفی می‌نمایند. همچون کارکردگرایان، توسعه گرایان، نئوکلاسیک‌ها و نظریه پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه پردازان نیز آن را منفی برمی‌شمارند (از قبیل نئومارکسیست‌ها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم‌های جهانی) به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می‌گردد.

#### دیدگاه‌های مهاجرت

نگرش مثبت به مهاجرت	نگرش منفی به مهاجرت
کارکردگرایان	ساختارگرایان
نئوکلاسیک‌ها	نئومارکسیست‌ها
نوسازی	اضمحلال و از هم پاشیدگی
جریان شمال- جنوب سرمایه	جریان جنوب- شمال سرمایه
بدمست آوردن مغزها	فرار مغزها
افزایش برابری	افزایش نابرابری
سرمایه گذاری وجوه ارسالی	مصرف گرایی
توسعه	وابستگی
کاهش مهاجرت	افزایش مهاجرت
پدیدآمدن فرصت کار برای بیکاران در مبدأ	کاهش نیروی کار ماهر در مبدأ
فعالیت های خیر و نوع دوستانه از جانب مهاجرین در مبدأ در راستای کمک به توسعه ی جامعه.	ایجاد تورم در نتیجه ی ارسال پول

منبع: (دی هاس، ۲۰۰۸)

## دیدگاه‌های مثبت به مهاجرت

دهه‌های ۵۰ و ۶۰ با این دیدگاه همراه بود که کشورهای فقیر قادرند، از طریق سیاست انتقال وسیع سرمایه و صنعتی کردن، به چرخه‌ی سریع توسعه‌ی اقتصادی و مدرنیزاسیون دست یابند. در این دوره، مهاجرت گسترده‌ی نیروی کار از کشورهای در حال توسعه به توسعه یافته شتاب یافت. دولت‌های کشورهای در حال توسعه از زمانی که به این ظرفیت به عنوان ابزاری در جهت ارتقای توسعه‌ی ملی واقف شدند، فعالانه شروع به انگیزه دادن به مهاجرانشان کردند (دی هاس، ۲۰۰۸: ۳) نگرش خوشبینانه به پدیده‌ی مهاجرت تا حد زیادی از تئوری‌های اقتصادی نئو-کلاسیک مهاجرت و نظریه‌های نوسازی توسعه‌گرا الهام گرفته است؛ و همگی اینها در پارادایم کارکردگرایی قرار دارند.

### - رویکرد کارکردگرایانه

نظریه پردازان این مکتب معتقدند که سازمان و وظایف جامعه را تنها در یک لحظه‌ی معین از تحول آن مورد مطالعه قرار دهند. لذا در این دیدگاه تاریخ ارجحی ندارد. بر این اساس شاید تصور بسیاری بر این باشد که تغییرات اجتماعی نیز در این رویکرد جایگاهی ندارد (گی روشه، ۱۳۸۹)، در حالی که کارکردگرایی هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد را در جهت تعادل و هماهنگی می‌داند. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جوامع به حساب می‌آید، که بالطبع در جهت ایجاد تعادل در سیستم اجتماعی صورت می‌گیرد. (ایمان، ۱۳۶۹: ۶۷) بنا به اعتقاد نظریه پردازان این دیدگاه، شرط لازم برای دوام و بقا نظام اجتماعی وجود یگانگی و تعادل در نظام می‌باشد. لذا مهاجرت به عنوان تغییری است که در جهت بقا و تعادل نظام اجتماعی محسوب می‌شود و موجبات توسعه‌ی جوامع مهاجرفرست را فراهم می‌نمایند. همچنین مهاجرت با به راه انداختن جریان سرمایه (ارسال وجه و سرمایه گذاری) و دانش، توسعه و نوسازی را موجب می‌شود. از این منظر مهاجران بازگشتی ۴، نقش اصلی را در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند.

### - توسعه‌گرایان

نظریه پردازان توسعه بر اساس اصول موجود در رویکرد کارکردگرایی به تبیین نظریات خود می‌پردازند و اعتقاد دارند که برخی از مناطق به لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته‌اند و فرصت‌های مختلفی را برای افراد آن مناطق به وجود آورده‌اند. بر این اساس نیروی انسانی انباشته شده در یک منطقه به مناطقی که فرصت‌هایی بیش از ظرفیت افرادش دارد، کشیده می‌شود و تعادل از دست رفته را به جامعه باز می‌گرداند. (لهسایی زاده به نقل از ایمان، ۱۳۶۹) معتقد به جنبه‌های مثبت مهاجرت به این اندیشه متمایل گشتند که مهاجرت موجب انتقال شمال-جنوب وجوه سرمایه گذاری و تسریع در تغییر جوامع سنتی به لیبرال و موجب ایده‌های خرد-

گرایانه و مردم سالارانه، آموزش و اندیشه‌های مدرن خواهد شد. از این دیدگاه، مهاجران بازگشتی به عنوان عوامل مهم تغییر، ابداع‌گران و سرمایه‌گذاران لقب گرفتند. انتظار عمومی این بود که جریان‌های ارسال پول، همانند تجارب، مهارت‌ها و دانشی که مهاجران پیش از بازگشت بدست آورده‌اند، کمک بزرگی به کشورهای در حال توسعه، در جهت خیز اقتصادی خواهد داشت. از مهاجران بازگشتی انتظار می‌رود که به واسطه پول‌های خود سرمایه‌گذاری عظیمی را در ناحیه‌ی موطن مادری خود به انجام رسانند. (دی هاس، ۲۰۰۸: ۳۷)

#### - اقتصاددانان نئوکلاسیک

تئوری مهاجرت نئوکلاسیک، بهترین و شناخته شده‌ترین پارادایم کارکردگرایی در حوزه مهاجرت است. (دی هاس، ۲۰۱۱: ۹) نئوکلاسیک‌ها از راونشتاین بسیار تأثیر پذیرفتند. بسیاری از نظریه‌پردازان، ارنست جرج راونشتاین را پدر مطالعات مهاجرت مدرن می‌دانند. (اسکلدون، ۲۰۱۰) او در مقاله‌ای در ۱۸۸۵ با عنوان قوانین مهاجرت نظریات خود را بیان داشت. در سه قانون آخر، او در باب نقش مهاجرت بر توسعه نظرات مهمی دارد که به آن اشاره‌ی مختصری می‌کنیم:

قانون ۹: افزایش حجم مهاجرت موجب بهبود حمل و نقل و توسعه‌ی بازرگانی و صنعتی می‌گردد.

قانون ۱۰: عمده‌ترین مسیر مهاجرت از نواحی کشاورزی به مراکز صنعتی و بازرگانی است.

قانون ۱۱: دلیل عمده‌ی مهاجرت، اقتصادی است و شاید بهتر باشد بگوییم توسعه‌ی اقتصادی. (ابید، ۱۴۶)

با گذری بر ایده‌های مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها، می‌توان به اثرات تئوری‌های راونشتاین بر آنان پی برد. فرض اساسی در این پارادایم آن است که افراد تمایل دارند رفاه خود را با توجه به محدودیت بودجه، به حداکثر رسانند. نئوکلاسیک‌ها در سطح کلان، معتقدند هر جا عرضه‌ی نیروی کار بیش از سرمایه باشد دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد دستمزدها سیر صعودی می‌یابند. این وضع، مهاجرت نیروی کار را از منطقه‌ی نخست به منطقه‌ی دوم بر می‌انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۱) و انتظار می‌رود که سرمایه در خلاف جهت مهاجرت حرکت نماید. (دی هاس، ۲۰۰۸) اما به طور کلی در جهان به شدت نئوکلاسیک، نقش مهاجرت به عنوان عامل یکسان سازی قیمت‌ها مطرح می‌شود تا این اواخر، این دیدگاه نئوکلاسیک مهاجرت و توسعه به عنوان نگرش مسلط مؤسسات مالی بین‌المللی مطرح بود؛ به عنوان مثال، در بررسی سیاست‌های مربوط به مهاجرت، در گزارش "جهانی شدن، رشد و فقر" بانک جهانی در سال ۲۰۰۲، فواید مهاجرت برای کشور-

های گیرنده دیده شده است، به خصوص در شرایط برابری فاکتور قیمت و البته به هیچ عنوان به ارسال وجه اشاره‌ای نشد.

### دیدگاه منفی

بحران نفتی سال ۱۹۷۳ خبر از یک دوره‌ی رکود اقتصادی در سراسر جهان، بازسازی صنعتی و افزایش بیکاری می‌داد. همچنین تصور می‌شد که عصر مهاجرت‌های بین‌المللی پایان پذیرفته است. این موضوع کم و بیش با تغییرات بنیادی در بحث مهاجرت و توسعه همزمان شد. در اواخر دهه‌ی ۶۰، با توجه به نفوذ ترکیبی دو موضوع، نگرش مثبت در موضوع مهاجرت و توسعه در نواحی فرستنده‌ی مهاجر، به طور گسترده‌ای به چالش کشیده شد. نخست، تغییر پارادایم در علوم اجتماعی به ساختارگرایی تاریخی و دوم، افزایش مطالعات تجربی که عموماً از دیدگاه‌های مثبت نگر در مهاجرت و توسعه حمایت نمی‌کند. (دی هاس، ۲۰۰۷)

شمار زیادی از مطالعات آکادمیک از این فرضیه دفاع می‌کرد که مهاجرت توسعه نیافتگی را تقویت می‌کند. این منفی‌گرایان معتقد بوده‌اند مهاجرت، توسعه‌ی انسانی را به مخاطره می‌اندازد و سقوط آداب و سنن و اقتصاد جوامع پایدار محلی را به همراه دارد. این امر منجر به توسعه‌ی جوامع منفعل غیر مولد، و وابسته به ارسال وجه خواهد شد. در کنار فرار مغزها، فرار نیروی کار - خروج گسترده‌ی زنان و مردان توانا و جوان از مناطق روستایی - که موجب افت شدید نیروی کار کشاورزی می‌شود، محروم شدن مناطق از نیروی کار در دسترسشان از آنجا که به طور کلی فقیرترین جوامع بیشترین مهاجرت را ندارند، لذا مهاجرت و ارسال وجه در جهت افزایش نابرابری‌های جامعه‌ی مبدا تلقی می‌شد. (همان) مبنای بسیاری از بدبینان به مهاجرت (از قبیل نئومارکسیست‌ها، طرفداران مکتب وابستگی و تئوری نظام‌های جهانی)، بر تئوری اجتماعی ساختارگرایی استوار است. به طور کلی در رهیافت ساختارگرایان به مهاجرت و توسعه، مهاجرت توسعه نیافتگی را در جوامع مهاجر فرست افزایش می‌دهد.

در سده گذشته، نظریه‌پردازی در مورد علل و دلایل مهاجرت از سوی نظریه پردازان رشته‌های مختلف به ویژه در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده که به اشکال مختلف بر محور علل، دسته بندی شده است. نظریه‌ها عمدتاً فرایند، ساختار و نتایج مهاجرت پرداخته شده‌اند. ارنست جورج راونشتاین از نخستین کسانی بود که سعی کرد تا تبیینی نظری درباره‌ی قانون‌مندی‌های مهاجرت روستا-شهری ارائه دهد، او با عنوان "قوانین مهاجرت" در طی مقاله‌ای که در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ در مجله انجمن سلطنتی به چاپ رساند، استدلال کرد که مهاجرت یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است و در آن اقتصاد به مثابه عامل اصلی مورد توجه است. (قاسمی اردهائی و دیگران، ۱۳۸۷) اورت اس - لی با نقد نظریه راونشتاین،

نظریه جدیدی در این زمینه ارائه داد. وی برای نخستین بار مهاجرت را در چارچوب کشش-رانس فردی تحلیل کرد که بر جذب و دفع مهاجر در مکان و یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت توجه داشت. وی به این نتیجه تأکید کرد که با افزایش، تنوع مهاجرت نیز افزایش می-یابد. او در مجموع یک دسته بندی از عوامل مؤثر بر مهاجرت ارائه کرد که تا حد زیادی سازوکارهای معمول را نادیده گرفته بود. (هاگن زانکر، ۲۰۰۸: ۹) مایکل تودارو یکی از مشهور-ترین نظریه پردازان بحث مهاجرت است که بحث اساسی وی پیرامون مهاجرت روستا شهری است. فرض اصلی تودارو که در قالب یک مدل ارائه شد، این است که فرد بر مبنای هدف اقتصادی بیشتر شدن "درآمد ممکن" تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و یا از آن صرف نظر می‌کند؛ در مدل تودارو مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می-گیرد تا درآمد واقعی. در این تصمیم گیری دو عامل اقتصادی نقش دارند: نخست تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستاست و دومی که مهمتر است، میزان احتمال موفقیت یک مهاجر در یافتن شغل و یا شغلی بهتر و با درآمد بیشتر در شهر است. (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۲) از نظر تودارو گام مهم در شناسایی پدیده مهاجرت، شناسایی اقتصاد و سیاست اجتماعی می‌باشد که بر درآمد در روستا و شهر اثر می‌گذارد که این خود از عوامل مهاجرت به حساب می‌آید. سیاست-های اقتصادی چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر جریان مهاجرت اثر گذارند. که از آن جمله می-توان به مالیات، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه، سیاست‌های تجاری و نرخ مبادله، برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی، ارتباط با سرمایه‌گذاران خارجی، ساختار، محتوا و جهت‌گیری نظام آموزشی، عملکرد بازار کار و انتقال بین‌المللی داده و موقعیت صنایع جدید اشاره نمود. (تودارو، ۱۹۹۷: ۲۲) در مجموع در بیشتر نظریه‌های مهاجرت، تلاش برای یافتن شرایط بهتر و زندگی بهتر، انگیزه اصلی مهاجرت به‌شمار می‌رود و تفاوت‌های مکانی در بردارنده این شرایط، انگیزه اصلی تصمیم فرد و گروه‌های اجتماعی در ترک دیار و رو نهادن به یک مکان جدید است که این تفاوت‌ها ریشه عمیق در شرایط اقتصادی دارد. در واقع انجام مهاجرت عدم رضایت از امکان زندگی و درک اختلاف-های فضایی اعم از اقتصادی-اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی است. (صرافی، ۱۳۸۱: ۷)

### - نظریه‌ی مهاجرت از اورتلی

به نظر "فار" مهاجرت بدون هیچگونه قاعده مشخص آغاز می‌شود و ادامه پیدا می‌کند. این نظر، راونشتاین را پیش از تشکیل انجمن سلطنتی آمار ۱۷ مارس ۱۸۸۵ به سمت مقاله معروفش در مورد قوانین مهاجرت هدایت کرد. اساس این مقاله روی آمار بریتانیا در ۱۸۸۱ قرار داشت اما در ۱۸۸۹ راونشتاین باتوجه به اطلاعات آماری مربوط به بیش از ۲۰ کشور در مقاله‌اش تجدید نظر کرد. در مرحله دوم باتوجه به تاثیر نظریه‌های جدیدتر و بازنگری گسترده‌اش، مقاله خود را

قوانین مهاجرت نامید. اگرچه او عقیده داشت که عمدتاً قوانین مربوط به جمعیت و اقتصاد به دقت قوانین فیزیکی نیست، قوانین راونشتاین همانگونه که در مقاله اول شکل گرفته و در مقاله دوم بسط داده شده و یا اصلاح گردیده است، در جملات وی در زیر خلاصه گردیده‌اند. پنج قانون اول معمولاً از طرف عموم نقل می‌شوند، در حالیکه موارد ۶ و ۷ اگرچه از نتایج عمومی مقاله دوم وی گرفته شده‌اند، چندان عمومیت ندارند، باین وجود راه راونشتاین در مورد شماره‌گذاری قوانین و تا حدودی بیان آزمایشی او در مورد تسلط انگیزه اقتصادی مهاجرت نیست به برآورد اهمیت نتیجه‌گیری‌هایش، درست‌تر جلوه می‌کند.

همچنین، اورت. سی. لی نیز از صاحب نظرانی است که در مورد مهاجرت به ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته است. لی تلاش کرده است چارچوبی کلی برای تجزیه و تحلیل حجم مهاجرت، توسعه جریان‌ها و ضد جریان‌ها و ویژگی‌های مهاجرین ارائه دهد. به نظر وی، عواملی را که در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر است، می‌توان به چهار گروه کلی به صورت زیر خلاصه کرد: عوامل مرتبط با منطقه مبدأ مهاجرت، عوامل مرتبط با منطقه مقصد مهاجرت، موانع دخالت‌کننده و عوامل شخصی. (تودارو، ۱۳۷۶: ۲۲)

#### - نظریه اقتصادی مهاجرت تودارو

مایکل تودارو (۱۳۶۶) از صاحب‌نظران مسائل اقتصادی کشورهای موسوم به جهان سوم، درباره مهاجرت روستا شهری برای این کشورها مدل نظری ارائه داده است. می‌توان گفت مدل وی حالت گسترش یافته نگرش سرمایه انسانی «شاستاد» و از جهاتی از نظریه اقتصادی دو گانه توسعه «لوئیس» متأثر است. مدل مهاجرت تودارو دارای چهار ویژگی اصلی زیر است:

(۱) مهاجرت، جریانی انتخابی و انگیزه آن بر پایه ملاحظات عقلانی اقتصادی، سود و هزینه نسبی است و گرچه عمدتاً اقتصادی است، اما ضمناً روانی هم هست.

(۲) تصمیم به مهاجرت به تفاوت درآمد «مورد انتظار» بین شهر و روستا بستگی دارد نه تفاوت درآمد «واقعی» بین آنها.

(۳) احتمال به دست آوردن شغلی در شهر با میزان بیکاری شهری رابطه عکس دارد.

(۴) در صورت وجود اختلاف بسیار در درآمد «مورد انتظار» بین شهر و روستا، وجود «میزان مهاجرت» مازاد بر «فرصت‌های اشتغال» نه تنها ممکن بلکه منطقی و حتی محتمل است و لذا میزان بالای بیکاری شهری نتیجه اجتناب ناپذیر عدم تعادل جدی فرصت‌های اقتصادی بین مناطق روستایی و شهری اکثر کشورهای در حال توسعه است.

#### - مدل شبکه‌ای

این مدل به طور مشخص تقریباً اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید. سپس به وسیله صاحب



نظران حوزه گسترش یافت در این دیدگاه هزینه و فایده مهاجرت در قالب شبکه‌های مهاجرتی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

به اعتقاد نظریه پردازان این دیدگاه، شبکه‌های مهاجرتی مشتمل است بر پیوندهای بین افراد که مهاجران قبلی و غیر مهاجران را در مناطق مبدا و مقصد از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا خاستگاه اجتماعی مشترک به هم مرتبط می‌سازد. درون شبکه‌های مزبور حرکات مهاجرتی رو به افزایش می‌نهد: زیرا که هزینه‌ها خطرات ناشی از مهاجرت را کاهش داده و مناطق حاصل از آن را افزایش می‌دهد. در واقع، ارتباطات و تماس‌های حاصل از این‌گونه شبکه‌ها نوعی سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید که افراد به وسیله آن به موقعیت شغلی بهتری دست می‌یابند. در این نظریه بر دو عامل تاکید می‌شود و در واقع این دو عامل هستند که اساس حرکت مهاجرت‌ها را پی ریزی می‌کنند:

الف) کاهش هزینه‌ها، نخستین مهاجرانی که ترک دیار می‌کنند و مکان‌های جدید اختیار می‌کنند، معمولاً پیوندهای اجتماعی حمایت کننده که مهاجرت را برای آنان کم هزینه کند، وجود ندارند. اما پس از اینکه این نخستین مهاجران، به مهاجرت اقدام کردند، هزینه‌های بالقوه مهاجرت برای دوستان و خویشاندان باقی مانده کاهش می‌یابد. زیرا به دلیل ماهیت ساختارهای خویشاوندی و دوستی، هر مهاجر جدید مجموعه افرادی با پیوندهای اجتماعی در منطقه مقصد به وجود می‌آورد. بدین ترتیب شبکه‌ای از ارتباط بین مهاجران و غیر مهاجران ایجاد می‌شود و با تعهدات حمایتی ضمنی که در درون این شبکه‌ها برای افراد به وجود می‌آید مهاجرت به مرور زمان با کاهش هزینه‌ها (مادی و معنوی) همراه خواهد بود.

ب) کاهش خطر، شبکه‌های مهاجرتی برای مهاجران تازه وارد مشاغلی به آسانی در اختیارشان قرار می‌دهد و بدین ترتیب مهاجرت اغلب به منبع قابل اعتماد و مطمئن جهت کسب درآمد تبدیل می‌شود. در این فرآیند هر مهاجر به نوبه خود شبکه مهاجرت را گسترش داده و خطرهای تمام افرادی که به او بستگی دارند و خواهان مهاجرت هستند را کاهش می‌دهد. لازم بذکر است که این نظریه بیشتر برای مهاجرت‌های بین‌المللی طرح ریزی شده است. (فصلنامه راهبرد. پاییز ۱۳۸۵. ۲۴۹)

### - مدل رفتاری

این مدل پژوهش خود را بر رفتار فردی و جمعی مهاجران متمرکز می‌کند. توماس و زنانیسکی از جمله پژوهشگرانی بودند که چنین مدلی را پایه ریزی کرده و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند. یعنی در پژوهش‌های خود بر نگرش مهاجران که متأثر از ارزش‌های اجتماعی و نیز نقش سازمان‌های اجتماعی در رفتارهای مهاجرتی مورد تاکید قرار گرفته

است. این مدل سپس به وسیله ایونشتات، اسپیر، گلدیشتاین و فری به طور تخصصی تر گسترش یافت. در گسترش مدل متغیرهایی نظیر بررسی تمایل به مهاجرت (توسط مهاجران)، انتخاب مکان و بالاخره تصمیم به رفتن (مهاجرت) و یا ماندن سه مرحله‌ای است که رفتار مهاجران معطوف به آنها می‌شود، به مراحل اصلی مهاجرت در نظر گرفته شده‌اند. این چارچوب شامل سه مرحله زیر است: الف) گاهی قبل از تصمیم به مهاجرت ب) تصمیم ضمنی مبنی بر مهاجرت کلی، جزئی و یا ماندن ج) تصمیم قطعی به مهاجرت و انتخاب مقصد آن.

### - نظریه‌ی شکار مغزها

مطالعات متفکران روسی به نام‌های «آواکف» و «گاوریلوکف» بیشتر بر نقش استعمار نو در تبیین پدیده‌ی مهاجرت مغزها تأکید نموده و به همین دلیل در روسیه از اصطلاح «شکار مغزها» به جای فرار مغزها و یا از تعبیری همچون سرقت مغزها و قاچاق سلول‌های خاکستری استفاده می‌شود. در این تحلیل بر اساس نوع مناسبات تولیدی کشورها و نظریه‌های مربوط به توسعه‌ی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی در قالب سرمایه داری و در اوج خود، امپریالیسم، عوامل برونزای خروج نیروهای متخصص، محوریت بیشتری می‌یابد.

به طوری که فشار استعمار نو، مداخله‌های امپریالیستی، کودتاهای برونزا، چرخش‌ها و دگرگونی‌های غیرمنتظره ناشی از روابط داخلی قدرت و غیره، همه از زمره‌ی عوامل بی ثباتی سیاسی به شمار می‌روند که روشنفکر و فعالیت او را مختل می‌کنند. چنانکه وی با روی آوردن به کار در کشورهای امپریالیستی احساس امنیت نسبی بیشتری می‌کن. (زولتام، ۱۹۷۶)

### - نظریه‌ی اجتماعات پژوهشی

این نظریه بیان می‌کند که دانش در یک فرآیند گروهی با شکل‌گیری مناسبات منحصر به فرد، خلق و تولید می‌شود. این مناسبات از آنجا که در پیوند با مجموعه‌های انسانی و فن‌آوری خاص متولد می‌شود، موجب می‌گردد «اجتماعات پژوهشی» قابل مشابه سازی نباشند. از این‌رو پژوهشگران در صورت فقدان شکل‌گیری این مناسبات به سمت فضاها و مجامع علمی بیرون کشانده می‌شوند تا هویت خود را حفظ کرده و استمرار بخشند. (ذاکر صالحی، ۱۳۷۹) از این اجتماعات برخی‌ها به دانشکده‌ی نامریی و برخی دیگر به جوامع اجتماعی-شناختی تعبیر کرده‌اند. (بیتیس، می‌یر و دیگران، ۱۹۹۹)

### - نظریه‌ی امپریالیست رسانه‌ای

این نظریه معتقد است که دیکتاتوری رسانه‌ای حاکم بر جهان کنونی، با کانالیزه کردن و بزرگ‌نمایی برخی اخبار و اطلاعات به استثمار کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. آنها با نشان دادن جنبه‌های تمدن و پیشرفت‌های خود و با کتمان ناکامی‌ها به بزرگ‌نمایی مزایای زندگی در

غرب پرداخته و در مقابل با تخریب حس ناسیونالیستی کشورهای در حال توسعه و بزرگ نمایی مشکلات آنها به سیاه نمایی پرداخته و امکان پیشرفت و حل مشکلات را غیر ممکن بیان می‌کنند.

مشخص است که در این چنین فضایی کوچکترین مشکلی که در راه پیشرفت شخص نخبه پدید آید، او را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد اما واقعیتی را که پس از مهاجرت با آن روبه رو می‌شوند چیزی متفاوت از آمال و آرزوهای در سر پرورنده است که همین موضوع موجبات نارضایتی برخی از افرادی که مهاجرت کرده‌اند را پدید آورده است. (لهسایی زاده، ۱۳۷۱)

### جهانی شدن و مهاجرت

لازم است میان جهانی شدن با یونیورسالیسم تفاوت قائل شویم. یونیورسالیسم به ارزش‌هایی معطوف است که انسان را در هر زمان و مکان فارغ از تعلقات فرهنگی چونان سوژه‌ها یا فاعلانی خود مختار در نظر می‌گیرند. اما جهانی شدن که متاخرتر و مادی تر از یونیورسالیسم است، ارزش‌هایی را در بر می‌گیرد که همه مردم جهان به آنها علاقمندند به‌گونه‌ای که کل زمین را محیط مادی و افراد روی آن را شهروندان، مصرف کنندگان و تولید کنندگان جهان می‌دانند و خواهان اقدام جمعی برای حل مشکلات جهانی هستند. (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۷۲)

زمانی که در جایی از جهانی شدن سخن به میان می‌آید، منظور این است که نقش عوامل فوق ملی در روند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه کشورها افزایش یافته است. این تحول رابطه انسان و پیرامونش را دستخوش تغییر می‌کند. جهانی شدن به خروج فرد از حالت درون نگرانه و متکی به یک منطقه خاص، به سمت یک هویت برون نگرانه و فرا سرزمینی کمک می‌کند. از مفهوم جهانی شدن، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان، ارائه شده است ولی تاکنون تعریف جامع و فراگیر که در برگزیده کلیه جوانب این پدیده باشد، ارائه نشده است لذا در این مقاله به سه تعریف کلی اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم:

۱- جهانی شدن به معنای تحقق شرایط جهانی است که در آن، پیوستگی فرهنگ‌های محلی با یکدیگر حاصل می‌شود. در این نگاه با توجه به تعریف «رابرتسون» از اصطلاح «جهانی- محلی شدن» استفاده شده است: «جهانی شدن فرهنگ، عاملی همگون کننده تلقی نمی‌شود، چرا که "جهانی" به طور مطلق مخالف "محلی" نیست» بنابراین از نظر رابرتسون، جهانی شدن یعنی فشردن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل اصلی‌ترین چهره‌هایی که در این زمینه بحث کرده‌اند «رونالد رابرتسون» و «آنتونی گیدنز» می‌باشند.

۲- جهانی شدن، پروژه جهان غرب برای سلطه بر جهان شرق می‌باشد. بنابراین از منظر جهان شرق، جهانی شدن معادل با غربی شدن و تهاجم فرهنگی است. مارکسیست‌های جدید،

جهانی شدن را ادامه سرمایه داری می‌دانند. از نظر آنها، جهانی شدن ادامه سرمایه‌داری و بقای نابرابری اجتماعی و اقتصادی است. در این نگاه نتیجه بلند مدت جهانی شدن ادغام اقتصادی و فرهنگی جهان است و شکاف طبقاتی را در سطح جهان، میان کشورهای فقیر و ثروتمند و در سطح محلی، میان ثروتمندان و فقیران، عمیق‌تر می‌کند. «سمیرامین» معتقد است که در جریان جهانی شدن، بر عمق نابرابری در سطح جهانی افزوده می‌شود. (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴)

۳- جهانی شدن به معنای جهان شمولی و دوره‌ای است که بعد از مدرنیته محقق می‌شود. «آلبرو» در این زمینه چنین می‌گوید: «اساسا عصر جهانی می‌خواهد که جهان شمولی را جایگزین مدرنیته سازد. این امر به معنای تحول همه جانبه بر اساس عمل در تشکلهای اجتماعی مربوط به افراد و گروه‌هاست». (همان)

با توجه به اعتبار تعریف اول که در آن بر روابط بین فرهنگی در متن جامعه جهانی تاکید شده، جهانی شدن را می‌توان فرآیندی دانست که به تبع آن پیوندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین بازیگران در سطح ملی و بین‌المللی افزایش می‌یابند و اقتدار دولت-ملت‌ها در مقابل مراکز اقتدار فراملی رنگ می‌بازند. برای پرهیز از بسط سخن به مهمترین ویژگی‌های عصر جهانی شدن بر پایه دیدگاه اندیشمندان اشاره می‌شود:

- ۱- ظهور دهکده الکترونیک جهانی (مارشال مک لوهان)
- ۲- شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی یا دموکراسی جهانی (دیوید هلد)
- ۳- انقلاب و انفجار اطلاعات و ارتباطات (مانوئل کاستلز و مارشال مک لوهان)
- ۴- فشردگی زمانی و مکانی
- ۵- گسترش بازیگران فراملی و افزایش اقتدار آنها
- ۶- گسترش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و به تبع آن گسترش دموکراسی و کاهش مشروعیت رژیم‌های اقتدارگر
- ۷- پایان جغرافیا
- ۸- عصر سیبرنتیک (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

ملاحظه می‌شود که این رهیافت‌های چهارگانه، بر هر یک از زاویه‌های خاص مسئله جهانی شدن و تاثیر آن بر پدیده‌هایی چون دولت، هویت، قومیت و ملیت تاکید می‌کنند و تفسیر آنها از ماهیت جهانی شدن نه تنها متفاوت است، بلکه در مورد تاثیر جهانی شدن بر پدیده‌های فوق با یکدیگر اختلاف اساسی دارند. یعنی از یکسو، برخی بر ایجاد یک هویت جهانی واحد تاکید داشته و برخی بر مقاومت‌های هویتی در برابر فرهنگ جهانی ناشی از رشد فزاینده جهانی شدن تاکید می‌کنند. (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۲؛ احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴) بنابراین جهانی شدن که جهانی شدن فرهنگی

نیز جزء اصلی و جدایی ناپذیر آن است، عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی که نوعی فرآیند و تحول دیالکتیکی را سبب می‌شود، لذا با فروریزی فزاینده مرزهای سیاسی و فرهنگی و ادغام روزافزون جوامع در جامعه‌ای جهانی، بسترها و امکان‌های فراوانی برای همزیستی، تبادل، آمیزش و تعالی فرهنگی و همچنین خاص‌گرایی‌های گوناگون فرهنگی ایجاد می‌کند. (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۹۸ و ۱۲۲-۱۲۱)

### مهاجرت

تعریف پذیرفته شده و جامعی برای مهاجرت وجود ندارد. تعریف‌ها در این مورد اغلب مبهم، بحث‌انگیز یا متناقض است و این ریشه در این حقیقت دارد که استفاده از واژه مهاجرت از کشوری به کشور دیگر و یا حتی در درون یک کشور نیز متفاوت است. با این حال، مهاجرت را می‌توان مجموعه‌ای از فرایندها با ابعاد مختلف دانست که به عبور از مرزهای سیاسی کشور، به صورت فردی، خانوادگی و گروهی اشاره دارد. (واترز، ۲۰۰۹: ۲۹۸) به طوریکه این حرکات به اقامت آنها در موقعیت جدید جغرافیایی بیانجامد. (بیلی، ۲۰۰۹: ۱۰۳) مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جمعیت‌شناختی و یکی از جنبه‌های تحلیل جمعیت است، پدیده‌ای که به نقل و انتقال سکونت‌ی انسان از مکانی به مکان دیگر مربوط می‌شود. مهاجرت و جابه‌جایی مکانی انسان‌ها به-عنوان موضوعی پایدار در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی، توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. پویایی رابطه انسان‌ها با مکان در قلب پدیده مهاجرت قرار داشته است. به علت گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری به نحوی با چالش مهاجرت مواجه هستند. (سجادپور، ۱۳۸۴: ۶۴) مهاجرت یکی از ۴ عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی، آثاری سریع و کوتاه مدت نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲) مهاجرت بعنوان پدیده اجتماعی دارای پیامدها و بازتاب‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و سیاسی و امنیتی می‌باشد.

### انواع مهاجرت

مهاجرت نوعی حرکت تاریخی است و توصیفی از تاریخ مقاومت بشر برای بقا و پیشرفت و فرار از ناامنی و فقر محسوب می‌شود. (اسکلدون، ۲۰۰۸: ۱۲) در شرایط کنونی نیز تعداد قابل توجهی از مردم دنیا در طول زندگی شان مهاجرت را تجربه م‌کنند. این اتفاق مهمی است که زیربنای زندگی روزمره فرد را می‌سازد و سبب می‌شود مطالعه در مورد ابعاد و پیامدهای مختلف مهاجرت با تعمق صورت گیرد. (بیلی، ۲۰۰۹: ۱۰۹) از نظر تحقیقات آکادمیک، موضوع مهاجرت با تحقیقات اولیه توسط مدرسه شیکاگو بر روی الگوهای سکونت مهاجران، یکپارچگی اجتماعی،

ارتباطات، بازگشت مهاجران و مسائلی نظیر آن در آمریکا، مورد توجه محافل علمی قرار گرفت. (واترز، ۲۰۰۹: ۳۰۷)

### - مهاجرت

مهاجرت بین کشورها صورت می‌گیرد و مهاجران از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند. برخی مهاجرت‌های خارجی با هدف دستیابی به منابع طبیعی و ثروت و یا دستمزد و رفاه بیشتر انجام می‌پذیرد که به آن مهاجرت اختیاری گفته می‌شود. در این گونه مهاجرت‌ها کشور مبدا دچار مشکلات اقتصادی است. به‌عنوان نمونه مهاجرت اروپاییان به آمریکا، استرالیا، کانادا و آفریقا در قرن نوزدهم یک مهاجرت اختیاری است. مهاجرت کارگران ترکیه به آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم و مهاجرت مردم اتریش، مجارستان و یوگسلاوی به آلمان پس از سال ۱۹۸۹ نیز مهاجرت‌های اختیاری هستند.

### - پناهندگی

پناهندگی نوعی از مهاجرت خارجی است که عوامل دافعه در مبدا؛ مردم را مجبور به نقل مکان می‌کند. به‌عنوان نمونه، تشکیل دولت اسرائیل زمینه ساز پناهندگی بسیاری از فلسطینی‌ها به اردن، مصر، سوریه و لبنان شد. حمله شوروی به افغانستان و جنگ‌های داخلی در آن کشور، باعث پناهندگی افغان‌ها به ایران و پاکستان گردید. خشک‌سالی، قحطی و جنگ‌های داخلی باعث پناهندگی سکنه اتیوپی به کشورهای مجاور شد.

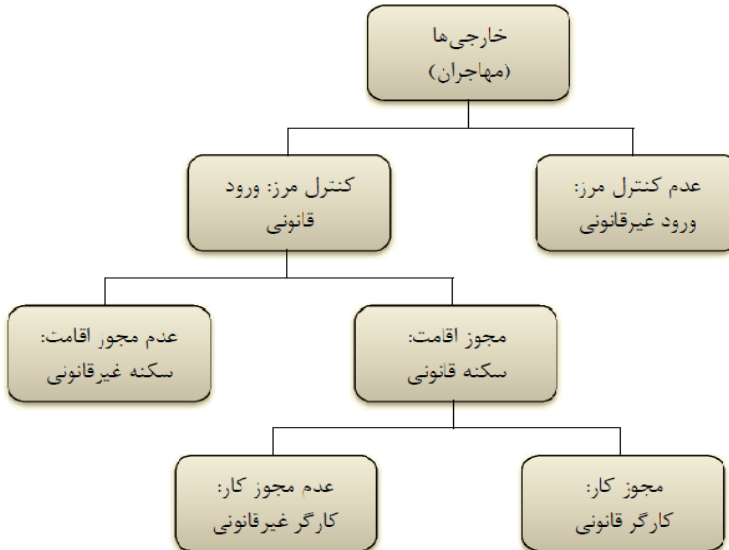
جدول انواع مهاجرت

ملاک طبقه‌بندی	انواع مهاجرت	تعریف
از نظر شکلی	۱) مهاجرت فردی	به جابه‌جایی افراد به صورت انفرادی و چه به صورت خانوادگی یا تعدادی از اعضای خانوارها با هم گفته می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۵).
از نظر خواست و اراده	۱) مهاجرت اجباری ۲) مهاجرت گروهی	انبوهی از انسان‌ها را شامل می‌شود و اغلب جنبه اعماری دارد مهاجرتی است که در آن یک عنصر اجبار وجود دارد شامل تهدیدهای زندگی و معاش، عوامل طبیعی یا انسانی نظیر جنگ و آوارگی، بلایای طبیعی یا محیطی، خطرات شیمیایی یا هسته‌ای، گرسنگی و... واژه‌ای است برای توصیف مهاجرتی که بدون وجود عناصر اجبار و با انتخاب آزادانه صورت می‌گیرد.
از نظر زمانی	۱) مهاجرت‌های قطعی ۲) مهاجرت‌های بازگشتی	که مهاجران در آن قصد یا امکان بازگشت به محل قبلی خود را ندارند. این از مهاجرت به قصد برگشت شخص به محل قبلی‌اش معمولاً پس از گذراندن حداقل یک سال در کشور دیگر، اشاره دارد که می‌تواند اختیاری یا غیراختیاری باشد.
از نظر حقوقی	۱) مهاجرت قانونی ۲) مهاجرت غیرقانونی	در این نوع از مهاجرت فرد دارای مجوز ورود و اقامت از طرف کشور میزبان است. مهاجرتی که فرد در آن مجوز ورود به یک کشور را ندارد با تاریخ مجوز اقامت آن به پایان رسیده است (Andreas & Thomas, 1998: 27)
از نظر مکانی	۱) مهاجرت داخلی ۲) مهاجرت خارجی	هرگونه جابه‌جایی و تغییر دائمی یا نیمه‌دائمی مسکن و محل اقامت را در داخل قلمرو جغرافیایی یک کشور، مهاجرت داخلی می‌نامند. این جابه‌جایی‌ها می‌تواند از مناطق روستایی به شهری، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا همان صورت پذیرد. هرگونه مهاجرت در ماورای مرزهای یک کشور را مهاجرت خارجی می‌نامند (اصلائی، ۱۳۸۷: ۶۰).

## مهاجرت خارجی

پدیده‌ی مهاجرهای بین‌المللی و خارجی پدیده‌ای نسبتاً جدید به شمار م‌رود، زیرا تنها در اوایل قرن بیستم بود که سیستم صدور گذرنامه و روادید جهت تنظیم جریان‌های مسافرت‌های برون مرزی در کشورها ابداع شد و عمومیت یافت. (مارتین و ویدیگرن، ۱۳۸۶: ۱) به طور کلی مهاجرت بین‌الملل، تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می‌شود. (کریترز ۲۰۰۷: ۳۰۱۹) البته زنجانی تفاوتی را میان مهاجرت بین‌المللی و خارجی بر می‌شمارد. بدین صورت که مهاجرت بین‌المللی بین دو کشور مستقل انجام می‌گردد و مهاجرت‌های خارجی بین دو سرزمینی جریان می‌یابد که در عرف بین‌الملل حداقل یکی از آن دو کشور محسوب نمی‌شود. (زنجانی، ۱۳۸۲: ۸) از دید صاحب نظران، مهاجرت مهمترین نوع تحرک جمعیت محسوب می‌شود که از تنوع بسیار چشمگیری برخوردار است، به طوری که کارشناسان مختلف با توجه به معیارهایی چون هدف، مدت، فاصله، مسیر حرکت، سرعت حرکت و اجبار یا اختیار، به طبقه بندی انواع مهاجرت پرداخته‌اند. به منظور پرهیز از اطاله کلام طبقه بندی انواع مهاجرت خارجی در قالب نمودار به تصویر کشیده شده است:

### انواع مهاجران خارجی



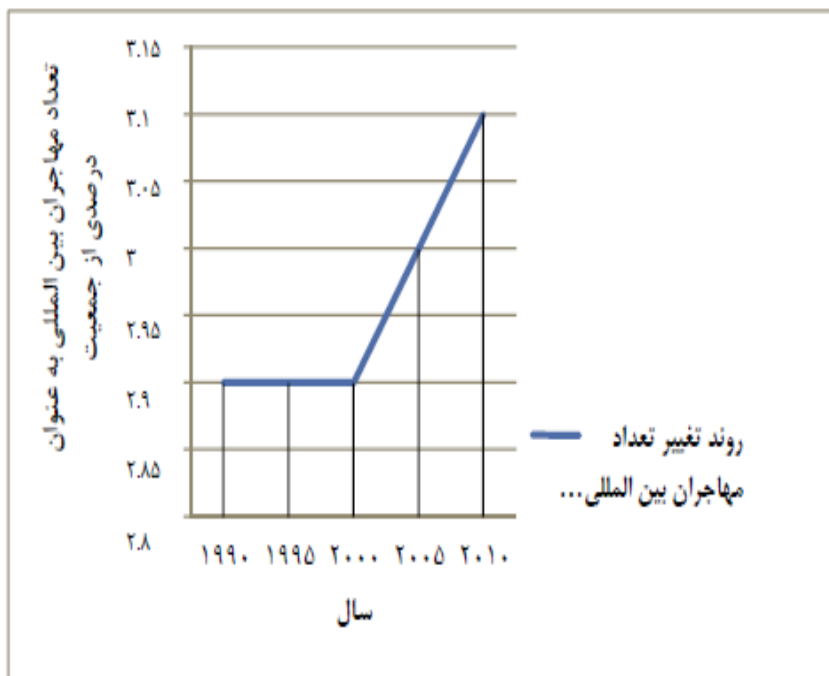
(آندراس و توماس، ۱۹۹۸: ۲۷)

### وضعیت مهاجرت‌های بین‌المللی

هرگونه مهاجرت در ماورای مرزهای کشور را مهاجرت خارجی یا بین‌المللی می‌نامند. (اصلانی، ۱۳۸۸: ۶۰) امروزه مهاجرت‌های بین‌المللی به صورت قسمتی از ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها درآمده و پیامدهای و نتایج مثبت و منفی این نوع مهاجرت‌ها بیشتر کشورها را درگیر

کرده است. طبق آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۰، مهاجران بین‌المللی ۳.۱ درصد جمعیت دنیا را شامل می‌شوند و نرخ تغییر سالیانه آنها به خصوص در کشورهای توسعه یافته در حال افزایش است. این وضعیت طی چند دهه اخیر تبدیل به موضوع حساسی در بحث‌های سیاسی کشورها به خصوص کشورهای با درآمد بالا گردیده و دارای اهمیت ویژه‌ای برای مسئولان این کشورهاست. (میگوت، ۲۰۰۸: ۶۳۷)

روند تغییر افزایشی تعداد مهاجرین بین‌المللی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰



منبع: آمار سازمان ملل (۲۰۱۰)

از سوی دیگر، باید توجه نمود مهاجرت‌های خارجی در کشورهای توسعه یافته در حال توسعه و توسعه نیافته وضعیت‌های متفاوتی دارد. بر این اساس، همچنانکه در جدول، نشان داده شده است، اختلاف تعداد مهاجرین بین‌المللی در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بسیار قابل توجه است. چنانکه در سال ۲۰۱۰ اختلاف این دو گروه از کشورها ده برابر بوده و در حالی که ۱۰.۳ درصد از جمعیت کشورهای توسعه یافته را مهاجرین خارجی تشکیل می‌دهند، این رقم در دو گروه دیگر از کشورها برابر با ۱.۳ درصد است. بدیهی است تأثیرات این نوع مهاجرت‌ها بر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیز متفاوت باشد. در واقع، در این زمینه سؤالاتی نظیر این سؤال مطرح می‌شود که چرا مهاجرت‌های خارجی در برخی کشورها به پیشرفت کمک می‌کنند و در برخی دیگر، عکس آن اتفاق می‌افتد؟ ادوارد تیلور به این سؤال اینگونه می‌پردازد که در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت شامل خروج سرمایه انسانی و



به خصوص خروج مغزها و از طرفی، ورود مهاجرانی است که مهارت و آموزش نسبتاً پایینی دارند و از لحاظ اقتصادی نیز به قشر فقیر جامعه می‌پیوندند. (تیلور، ۲۰۰۶) به عبارت دقیق‌تر، مناطق و کشورهای توسعه یافته جهان، اولاً دارای بیشترین تعداد مهاجرین بین‌المللی هستند و ثانیاً در بیشتر موارد این کشورها با ایجاد فیلترهای متعدد پذیرای مهاجرینی هستند که دارای سرمایه انسانی و یا مادی می‌باشند (برای نمونه، گرین کارت به صاحبان سرمایه و یا متخصصین و صاحب نظران تعلق می‌گیرد) این در حالی است که کشورهای کمتر توسعه یافته اگر چه تعداد کمتری مهاجر بین‌المللی را پذیرا هستند، اما همین تعداد اندک هم از نظر مادی و معنوی در سطح پایینی قرار دارند. جدول تعداد مهاجران خارجی را به عنوان درصدی از جمعیت در مناطق مختلف دنیا نشان می‌دهد.

جدول تعداد مهاجران خارجی در نسبت با سطوح توسعه یافتگی

کشور - سال	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰
کشورهای بیشتر توسعه یافته	۷.۲	۸.۰	۸.۷	۹.۶	۱۰.۳
کشورهای کمتر توسعه یافته	۱.۸	۱.۶	۱.۵	۱.۵	۱.۵
کشورهای با حداقل توسعه یافتگی	۲.۱	۲.۱	۱.۶	۱.۴	۱.۳

منبع: آمار سازمان ملل (۲۰۱۰)

### تغییرات در مبدا و مناطق مقصد

یکی از مهم‌ترین آثار جهانی شدن بر مهاجرت نیروی کار، تغییر در مبدا و مقصد مهاجرت در سطح جهان است. اروپا که مبدا سنتی مهاجرت بوده به اصلی‌ترین مقصد مهاجران بین‌المللی تبدیل شده است. در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا مبدا اصلی ارسال مهاجران به مناطق دیگر جهان به ویژه به آمریکای شمالی و استرالیا بود. آمریکا در سال ۱۹۶۵ و کانادا در سال ۱۹۶۷ قوانین خود در مورد مبدا و شیوه پذیرش مهاجران را اصلاح و راه را برای ورود نیروی کار ماهر و تحصیل کرده به بازار کار این کشورها باز کردند. در دهه ابتدایی قرن ۲۱ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین محل اصلی فرستادن مهاجران و اقیانوسیه، اروپا و آمریکای شمالی محل اصلی ورود مهاجران هستند. با این تغییرات در منبع و مقصد مهاجرت نیروی کار می‌توان استدلال کرد که جغرافیای معاصر مهاجرت نیروی کار نشان دهنده جهانی شدن اقتصاد جهانی و بازار کار است که در آن تعداد زیادی از کشورهای شرکت‌کننده در سیستم مهاجرت جهانی دگرگون شده‌اند.

### تغییر در تقاضای نیروی کار

جهانی شدن تاثیر متناقضی برای تقاضای نیروی کار داشته و فرصت‌های جدید تحرک اجتماعی برای آنها که دارای دانش و دانش فنی هستند ایجاد کرده است. این مساله انواع

گوناگون تقاضای نیروی کار در مکان‌های مختلف ایجاد کرده است. در مناطق توسعه یافته جهان، تقاضا عمدتاً برای نیروی کار ماهر مرتبط با رشد اقتصادی است در حالی که در مناطق حاشیه‌ای که تحت تأثیر اقتصاد بازار هستند تقاضا برای نیروی کار ارزان قیمت برای تسریع بخشیدن به سرعت رشد اقتصادی است. همان‌طور که قبلاً بیان شد مهاجرت هم تحت تأثیر رشد است و هم خود تأثیرگذار بر رشد است. تناقض دیگری در مناطق توسعه یافته وجود دارد که قابل توجه است و آن را شهرهای جهانی می‌نامند. تقاضا و رشد شرکت‌های خدماتی خاص در شهرهای جهانی، حرفه‌ها و فرصت‌های شغلی حرفه‌ای ایجاد کرده اما غیررسمی شدن فعالیت‌های اقتصادی در تولید و توزیع منجر به دستمزد پایین برای وابستگان به آن‌ها شده است.

بنابراین در اثر جهانی شدن تقاضا برای نیروی کار ماهر به وسیله کشورهای مهاجرپذیر رشد یافته است. در حالی که برای نیروی کار به سمت مناطق حاشیه‌ای تغییر جهت داده که استفاده از چنین نیروهای کاری ارزان و اقتصادی است. هر چند تقاضای ساختاری و تقاضای واقعی متفاوت است. براساس نظریه‌های اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار ماهر ویژگی دائم سرمایه است. به این دلیل که در نظام سرمایه‌داری سرمایه ثابت و نیروی کار متغیر است.

### ایجاد گرایش‌های متناقض در تقاضای نیروی کار و مهاجرت

جهانی شدن اقتصاد گرایش‌های متناقضی در مهاجرت بین‌المللی ایجاد کرده است. آن چنان که اشاره شد گسترش سرمایه‌داری و جهانی شدن اقتصاد به موازات آزادی بیشتر حرکت‌های مرتبط با تجارت، سرمایه، واردات، صادرات، اطلاعات منجر به تشویق عمل به گسترش فعالیت‌ها در سطح مناطق جغرافیایی به شکل نامحدود شده است. امروزه مهاجران جذب مناطق توسعه یافته می‌شوند زیرا معمولاً از لحاظ مادی و دستمزد مزایای مالی بیشتری در این کشورها دریافت می‌کنند. ناهمگونی‌های منطقه‌ای توضیح می‌دهند که چرا مناطق توسعه یافته از لحاظ اقتصادی نظیر آمریکای شمالی، اروپا و اقیانوسیه بیشتر مهاجرپذیر و آسیا و بیشتر مهاجر فرست هستند. کشورهای سرمایه‌داری از جمله آمریکا و کانادا از لحاظ اقتصادی تمایل بیشتر به ورود مهاجران ماهر دارند. انواع مختلف مهاجران دیگر که به سمت کشورهای توسعه یافته می‌روند نیز دلایل مشابهی دارند.

### نتیجه‌گیری

جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های مختلف زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است؛ که از جمله آن مهاجرت‌های بین‌المللی و وجوه ارسالی می‌باشد که نقش قابل توجهی در اقتصاد کشورهای جهان دارد به گونه‌ای که جریان وجوه ارسالی به عنوان دومین منبع بزرگ سرمایه تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است.

هدف ما در این تحقیق به طور کلی توجه موضوع جهانی شدن، مهاجرت بین‌المللی و وجوه ارسالی در فرایند برنامه‌ریزی و اثرات توسعه‌ای آن است. اگر جهانی شدن را به مثابه گسترش روابط اجتماعی به سطح جهانی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعریف کنیم، جهانی شدن بازار کار را می‌توانیم به معنای شکل‌گیری یک بازار کار جهانی بدانیم که در آن زمینه‌ها و امکانات لازم برای دسترسی و برقراری ارتباطات آسان میان عرضه و تقاضای نیروی کار در سطح جهانی فراهم آمده است. بنابراین جهانی شدن بازار کار زمینه مهاجرت متخصصان را فراهم می‌آورد. در این شرایط نگاهی به تجربه بین‌المللی در خصوص مهاجرت نیروی انسانی ماهر نشان می‌دهد که با گسترش روند جهانی شدن به ویژه در حوزه اقتصاد در واقع میزان مهاجرت متخصصان نیز افزایش یافته است. ورود به عصر جهانی شدن موجب بروز چندین تغییر اساسی در مهاجرت نیروی کار شده است. بسیاری از این تغییرات مرتبط با ظهور یک ساختار اقتصادی جهانی نوین بوده که این ساختار بر کشورهای توسعه یافته و مناطق پیرامونی تاثیر داشته است. جهانی شدن موجب تسریع گردش و توزیع کالا و خدمات و سرویس‌دهی در سرتاسر مرزهای کشورها و جهان شده است.

در عصر جهانی شدن چند دسته از شرایط تصمیم‌گیری برای مهاجرت را اسان و افراد را به این تصمیم تشویق می‌کنند. نخستین دسته شرایط کلان اجتماعی که با بین‌المللی اقتصاد مرتبط است. دومی دسته استخدام که در کار مبهم از طریق کارفرمایان، حکومت‌ها به نمایندگی از کارفرمایان، یا شبکه‌های مهاجران است. سومین دسته شامل قاچاق سازمان یافته مردان، زنان و کودکان است. دسته چهارم رسانه‌ها هستند که با توجه به نفوذ و گستره خود فرصت‌های شغلی، تحصیلی، سرمایه‌گذاری و زندگی بهتر در نقاط مختلف جهان را پیش روی همه افراد قرار داده و مهاجرت را رونق بخشیده‌اند. پنجمین دسته صنایع حمل و نقل هستند که سفرها را تسهیل کرده و سرعت سفر را افزایش داده‌اند. این موارد با یکدیگر مهاجرت بین‌المللی را به گزینه واقعی برای افراد و خانواده‌ها تبدیل کرده‌اند.

میزان بالای جهانی شدن در عرصه اقتصادی و وابستگی اقتصادی آشکار است و جنبه‌های تولید و توزیع را تحت تاثیر قرار داده است. اگرچه آثار جهانی شدن در عوامل دیگر نیز مشهود است اما به اندازه تحولات اقتصادی قابل توجه نیست. بطور کلی، جهانی شدن آثاری را بر مهاجرت نیروی کار داشته است. هانی شدن از یک سو موجب ظهور افراط‌گرایی و مشکلات امنیتی در جوامع دیگر شد و از سوی دیگر برای قدرت‌های اقتصادی از جمله آمریکا عقب‌ماندگی اقتصادی و رشد ملی‌گرایی افراطی را در پی داشت. برخی از سیاستمداران اروپایی نیز در مبارزات انتخاباتی خود از گسترش اقدامات تروریستی در کشورشان و نگرانی‌های مردم در زمینه بیکاری،

امنیت و مهاجرت در جهت مخالفت با جهانی شدن بهره‌برداری کرده به تقویت موج ملی‌گرایی کمک کردند. مهاجرت پناهنجویان و نیز جویندگان کار از اروپای شرقی به انگلستان موجی در آن کشور ایجاد کرد که به رفاندوم و تصمیم خروج این کشور از اتحادیه اروپایی منجر شد. بنا بر این می‌توان گفت که جنبش ضدجهانی شدن ریشه در گسترش افراط‌گرایی و تروریسم، هراس‌های امنیتی، وضعیت اقتصادی کشورها، بیکاری جوانان و مهاجرت پناه جویان دارد. بدیهی است چالش‌های فراروی جهانی شدن همچون تعارضات هویتی و امنیتی بیشترین تاثیر را در فرار مغزها دارد. با توجه به اینکه مشکلات سیاسی- امنیتی و همچنین قومی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد نخبگان این کشورها در جهت استفاده از تخصص خود، زیست بهتر و همچنین دسترسی به فناوری‌ها و امنیت همه جانبه به کشورهای توسعه یافته مهاجرت می‌کنند و با ارائه خدمات علمی از جمله تولید علم به گونه‌ای انتقال معکوس تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌شود.

## منابع فارسی

### کتب

- ابراهیم آبادی حسین(۱۳۷۹)، مهاجرت نخبگان، تهران، مطالعات برنامه ریزی وزارت علوم
- بهنام، جمشید(۱۳۵۴)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- خاوری نژاد، سعید(۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان در ایران، انتشارات دنیای اقتصاد، تهران
- دهقان مهدی(۱۳۸۲)، از فرار مغزها تا پدیده نو و ناشناخته مبادله مغزها، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۱۲، شماره ۱۷
- رابرتسون رونالد(۱۳۸۲)، جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه پولادی، تهران، نشر ثالث
- حسین عسگری و همکاران(۱۳۷۶)، فرار مغزها؛ انتقال معکوس تکنولوژی، تهران، نشر قطره
- عبدی، عباس(۱۳۸۸)، چهار پژوهش در جامعه‌شناسی فرهنگ، تهران، نشر ثالث
- گیدنز، آنتونی(۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه ثلاثی، تهران، نشر مرکز
- وقوفی، حسن(۱۳۸۰)، فرار مغزها «بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون»، تهران، انتشارات زهد
- واتزر مالکوم(۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه مردانی و مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی

### مقالات

- سیدمرتضی حسینی نژاد و همکاران(۱۳۸۲)، ابعاد فرار مغزها در جهان و ایران: بازنگری آمارها، اطلاعات سیاسی-اقتصادی پیاپی ۱۹۱-۱۹۲
- حسن حیدری و همکاران(۱۳۹۵)، آثار کلان اقتصادی و بخشی مهاجرت نیروی کار متخصص و غیرمتخصص، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲
- رضوی الهاشم، بهراد(۱۳۹۴)، طراحی الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی (ضرورت پیشرفت در جاده ای دوطرفه)، مدیریت فرهنگی
- سجادپور، سیدمحمدکاظم(۱۳۸۴)، چارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت-های بین‌المللی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸
- شاه آبادی، ابوالفضل(۱۳۸۹)، بررسی و محاسبه اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی ایران از طریق کانال‌های مستقیم و غیر مستقیم، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۵۵، شماره ۱۴
- علومی ابراهیم(۱۳۹۸)، جهانی شدن، مهاجرت‌های بین‌المللی و زبان‌ها، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، بهار